

بازی خطرناک ترکیه در قفقاز

سرویس ترکیه/خبرگزاری آران

حمید صفری

خبرگزاری آران / سرویس ترکیه : ترکیه از دیرباز یکی از بازیگران و رقبای اصلی دو قدرت دیگر منطقه قفقاز یعنی ایران و روسیه بوده است. در طول چهارصد سال گذشته سلاطین عثمانی علیرغم ترك مخاصمات مستقیم مرزی با ایران به دفعات بر سر قفقاز با ایران و روسیه جنگیده است. حمایت عثمانی‌ها از طوایف سنی در شمال قفقاز در مقابل جنوب شیعه‌نشین که پیوستگی جغرافیایی و وابستگی‌های ایدئولوژیک با ایران داشتند درگیری‌های نظامی در قفقاز را به رویارویی‌های اعتقادی مبدل کرد.

تقویت این استراتژی از سوی عثمانی‌ها موجب تسریع حرکت روسها به سمت جنوب و در نتیجه تضعیف بیشتر ایران در قفقاز و شکست در جنگهای ایران و روس گردید. دیری نپایید که عثمانی‌ها هم در نبرد با روسها شکست را پذیرفته و قفقاز را ترك کردند. از این زمان تا جنگ اول جهانی که دولت عثمانی مجدداً به دلیل ضعف و شکست روسها در جنگ و انقلاب اکتبر دچار اضمحلال شدند ، سپاه قفقاز خود را روانه باکو ساخت اما با شکست در جنگ اول جهانی باز هم مجبور به ترك قفقاز شد. با فروپاشی شوروی ترکها که هنوز نگاه پان عثمانیستی خود را نسبت به قفقاز حفظ کرده‌اند با روش متفاوت و کاملاً هماهنگ و در سایه حمایت‌های غرب وارد معادلات قفقاز و آسیای مرکزی شده و بسیاری از ظرفیت‌های اقتصادی و تبلیغی خود را بسیج و به منطقه منتقل ساختند. بی‌گمان در چنین شرایطی بهترین گزینه برای تغییر چهره قدیمی قفقاز، بکارگیری الگوی حکومتی موجود در ترکیه بود. این سیاست با هدف کاهش و محدودسازی تاثیر ایران بر قفقاز مسلمان‌نشین اتخاذ شد و حمایت مجموعه کشورهای غربی و ناتو و روسها را به دنبال خود داشت. در سایه این سیاست هماهنگ صدها شرکت تجاری ترك به قفقاز هجوم آورده و نبض تجارت و اقتصاد را در دست خود گرفتند.

دولت ترکیه نیز با حمایت‌های سازمان‌یافته خود شرکتهای بیشتری را تشویق به حضور در قفقاز کرد. تاسیس فروشگاه‌های زنجیره‌ای بزرگ، امواج صدور کالاهای مصرفی ترك، تامین مراکز درمانی، مراکز مخابراتی، نیروگاهی و ایجاد رستوران‌های متعدد ترکی و... از جمله فعالیت‌های اقتصادی ترکها در قفقاز و به طور مشخص در جمهوری آذربایجان است. بعلاوه در ابعاد آموزشی و تبلیغی ترکها مدارس و دانشگاه‌های متعددی را ایجاد و در کنار این مراکز، مساجد بسیاری را در نقاط مختلف آذربایجان تاسیس کرده‌اند. راه‌اندازی حوزه‌های علمیه دینی، برپایی کلاسهای آموزش دینی در مساجد و مدارس و همچنین اعزام دانش‌آموزان، دانشجویان و طلاب علوم دینی به دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی ترکیه از جمله سیاست‌های تبلیغی و فرهنگی دولت ترکیه برای آذربایجان بوده است.

بسیاری از کتب مرجع اهل سنت و تفکرات سعید نوری و جریان تبلیغی فتح‌الله گولن با سرمایه‌های کلان در جمهوری آذربایجان چاپ و توزیع شده است. پشتوانه عظیم مالی شرکت‌های تجاری ترك حامی اصلی این نوع فعالیت‌ها بوده است. در واقع یکی از وظایف عمده سرمایه‌داران ترك تامین منابع مالی فعالیت‌های تبلیغی و فرهنگی است. چنین وضعیتی در گرجستان نیز جریان دارد اگرچه رشد اقتصادی گرجستان بسیار ناچیز است اما بنادر و راه‌های این کشور مهمترین مسیر انتقال کالاها و خدمات و ارتباط ترکیه با شرق قفقاز است.

اساساً توجه به توسعه و بازسازی راههای مواصلاتی همانند مسیر راه‌آهن باکو تفلیس قارص و ایجاد شاهراه‌های ارتباطی میان شرق و غرب که بنای ارتباط چین با اروپا از مسیر آذربایجان گرجستان ترکیه را دارد ، برخاسته از چنین نگاهی است بنابراین طبیعی است که با بروز بحران در دریای سیاه این بازار بزرگ و پرمصرف دچار بحران شده و از این محل اقتصاد و فراتر از آن سیاست‌های تاریخی ترکها در منطقه در معرض تهدید قرار گیرد.

از اینرو برای حفظ وضع موجود و تضمین منافع شکل یافته و سرشار خود در این حوزه ترکها طرح «اتحادیه قفقاز» را مطرح ساخته‌اند. بی‌گمان ترکها به عنوان بازوی سنتی و قدیمی ناتو در جنوب اروپا نقش تعریف‌شده‌ای در بحران گرجستان داشته‌اند. یک هفته پیش از حمله گرجی‌ها به اوستیا نخستین بحران در منطقه از طریق انفجار خط لوله باکو تفلیس جیحان در خاک ترکیه زده شد.

این حادثه البته زنگ خطری جدی برای دولت آذربایجان است که دریا به خط لوله احداثی همواره دستخوش تحولات سیاسی و بازی‌های پیچیده قدرت‌ها بوده و هیچ تضمین امنیتی قابل اتکالی برای تداوم صدور نفت حتی از سوی نزدیک‌ترین متحد خود یعنی ترکیه وجود نخواهد داشت.

اکنون پس از توقف جنگ و آغاز دوره دیپلماسی پس از جنگ پروژه «پیمان قفقاز» از سوی دولت ترکیه و با عضویت کشورهای روسیه، ترکیه، گرجستان، ارمنستان و آذربایجان مطرح می‌شود. ترکها با حذف نام ایران به عنوان یکی از ارکان امنیت در قفقاز نشان دادند که هنوز همانند دوره عثمانی ایران را یک رقیب در قفقاز می‌دانند و نه یک شریک.

اگرچه تحقق چنین طرحی با موانع و مشکلات بزرگ مواجه است، اما طرح این موضوع از سوی دولت ترکیه و حذف نام ایران از جمع کشورهای منطقه تردیدهایی جدی را در تعریف جایگاه ترکیه در تحولات منطقه‌ای و گرایش‌های این دولت در دست‌بندی قدرت‌های درگیر در این بحران به وجود می‌آورد.

علیرغم خواست ترکیه یا هر دولت و قدرتی، تاثیر ذاتی و بنیادین ایران بر تحولات قفقاز غیرقابل انکار یا پنهان‌سازی است لذا تعریف جدید از امنیت و هر نوع ترتیبات امنیتی متفاوت با گذشته در قفقاز و تقسیم یا تحکیم منافع بازیگران سنتی در این منطقه بدون در نظر داشتن جایگاه ایران ممکن نیست.

اگرچه «متیو برازا» معاون وزیر امور خارجه آمریکا و مذاکره‌کننده ارشد گروه مینسک در مناقشه قره‌باغ مخالفت دولت آمریکا با طرح ترکیه را مورد تاکید قرار داده است، اما حذف نام ایران از جمع کشورهای ذی‌نفع در تحولات قفقاز ماهیت آمریکایی این طرح را آشکار ساخته است.

از سوی دیگر فقدان برنامه مدون و نگاه منسجم و دیپلماسی فعال و ارائه ابتکار از سوی ایران در قفقاز باعث گردیده است تا رقبای تاریخی ایران در قفقاز در جهت حفظ و تضمین منافع خود با قوت بیشتر حرکت کرده و کماکان تلاش خود را بر محور حذف ایران از معادلات قفقاز متمرکز سازند بنابراین امروز بیش از هر زمان دیگری نیاز به تمرکز، طراحی و اجرای دیپلماسی فعال و حذف عناصر مخل در تامین منافع ملی کشور از کارکردها در قفقاز و بکارگیری عناصر کارآمد در مسیر تحقق منافع و تضمین و تامین پایه‌های امنیت ملی در مرزهای تماس در شمال و شمال غرب کشور احساس می‌شود.

پایان پیام.